

## تحلیل نقوش سنگ قبر در اصفهان و شیراز (مورد پژوهی: روستاهای حنا، قصر قمشه، امام زاده عمادالدین و قلات) با رویکرد اسطوره‌شناسی

امیرحسین عباسی شوکت آباد

دانشگاه شاهد (مسئول)

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۱/۲۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۱۶

### چکیده

نقوش تزئینی در سنگ قبرها، بازخوردی از شرایط فرهنگی، اجتماعی و دینی است که در قالب نقوش حیوانی، گیاهی، هندسی، انسانی، کتیبه نگاری و نقوش نمادین به کار رفته‌اند. ایل قشقایی در طول تاریخ نقش مهمی در اتفاقات سیاسی و اجتماعی داشته است. با توجه به اهمیت و ضرورت آشنایی با پیشینه فرهنگی و هنری اقوام مختلف، پژوهش حاضر باهدف بررسی اسطوره‌ای نقوش به کاررفته در سنگ قبرهای ایل قشقایی در اصفهان و شیراز (روستای حنا، قصر قمشه، امام زاده عمادالدین و قلات) به روش کتابخانه‌ای و میدانی با رویکرد توصیفی-تحلیلی به این سؤالات پاسخ می‌دهد؛ ۱- نقوش به کاررفته در این قبور بیان‌کننده چه مفاهیمی هستند؟ ۲- ارتباط نقوش با اسطوره‌ها و فرهنگ مناطقشان چیست؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نقوش حکاکی شده بر روی سنگ قبرها تحت تأثیر سه علت، بینش اساطیری و اعتقادات مذهبی و تأثیر از محیط به وجود آمده است. همچنین در این بین جنبه قهرمانی اسطوره حائز اهمیت است و تأثیر زیادی در روند شکل‌گیری این نقوش دارد و با توجه به این موضوع که سنگ قبرها بعد از ورود اسلام به ایران است، به این نتیجه می‌رسیم که تأثیر دین اسلام بر این نقوش بسیار زیاد بوده و نیز بیانگر علائق، دلبستگی‌های فردی متوفی و بازماندگان، اعتقادات، موقعیت مکانی و زمانی و نمودی از فرهنگ جامعه هستند.

**کلید واژه:** سنگ قبر، اسطوره، نماد، ایل قشقایی



## مقدمه

از بدو هستی تا به امروز یکی از اساسی‌ترین تفکرات آدمی را مسئله مرگ و جهان پس از آن تشکیل داده است. سنگ قبرها ارتباط خاصی با زندگی انسان‌ها داشته و بستر مناسب و ارزشمندی برای به تصویر درآوردن افکار و اعتقاد او و بخشی از هویت مردم بوده و از این دریچه می‌توان دنیای دینی و فرهنگی و اعتقادی هر منطقه را مورد واکاوی قرار داد. قدمت سنگ قبر در ایران به بعد از ورود اسلام به ایران می‌رسد. به این دلیل که در پیش از اسلام ایرانیان زرتشتی بودند و مردگان را دفن نمی‌کرده و در استودان‌ها نگهداری می‌کردند. بیشتر این سنگ قبرها آراسته به نقوش گیاهی، حیوانی، انسانی و تزئینی هستند که علاوه بر این نقوش اشعار پارسی و ادعیه اسلامی که نشان‌دهنده اعتقادات صاحبان قبور بوده، نیز بر آنها حکاکی شده است. هدف از این پژوهش بررسی اسطوره‌ای نقوش به‌کاررفته در سنگ قبر روستاهای حنا، قصر قمشه، امام زاده عمادالدین و قلات که روستای حنا در شهر سمیرم (اصفهان) و روستای قلات، قصر قمشه و امام زاده عمادالدین در شیراز که همگی متعلق به ایلات قشقایی هستند، با تاکید بر نقش سرو، شیر و پرنده است. باتوجه به نقش مهم و حائز اهمیت ایل قشقایی در زمینه سیاسی-اجتماعی و تأثیرگذاری این عشایر در جامعه ایران که به‌خصوص از دوره صفویان بیشتر شاهد بوده‌ایم و همچنین پراکندگی آنها، در بیشترین نقاط کشور خصوصاً استان چهارمحال و بختیاری، بوشهر، خوزستان و فارس، دلیل بر اهمیت و ضرورت پژوهش است. این پژوهش بر این سؤالات پاسخ می‌دهد: ۱- نقوش به‌کاررفته در این قبور بیان‌کننده چه مفاهیمی است؟ ۲- ارتباط نقوش با اسطوره‌ها و فرهنگ مناطقی که چیست؟ از نظر روش‌شناسی، این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد و از نظر روش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری مطالب به شیوه میدانی و کتابخانه‌ای است.

## پیشینه پژوهش

در رابطه با نقوش سنگ قبرها تاکنون پژوهش‌هایی انجام شده اما از منظر اسطوره‌شناسی چندان به نقوش این قبور توجه نشده است. در این بین پژوهشی که سنگ قبر روستاهای حنا، قصر قمشه، امام زاده عمادالدین و قلات را با رویکرد اسطوره‌شناسی بررسی کند، صورت نگرفته است. در میان منابع موجود می‌توان به نوشین کاظمی (۱۳۹۶)، در پایان‌نامه خود با عنوان بررسی بینامتنی نقوش سنگ قبرهای قشقایی، به بررسی مردم‌شناختی، اسطوره‌شناختی و نمی‌شناختی پیوندهای بینامتنی نقوش سنگ قبرها با متون دیگر پرداخته است. سودابه ملک‌زاده قلعه قاسمی (۱۳۹۶)، در پایان‌نامه خود با عنوان نمادشناسی نقوش سنگ مزارهای آرامستان تخت فولاد اصفهان، به شناخت عقاید و باورهای دینی، فرهنگی و اساطیری مردم منطقه و همچنین شناخت خواستگاه و چرایی کاربرد مضامین متعدد بر نگاره‌های منقوش و نمادشناسی نقوش سنگ مزارهای تخت فولاد و ارتباط آنها با عقاید آیینی و رسوم و فرهنگ

ایرانیان پرداخته است. سعیده رادیو (۱۳۹۷)، در پایان‌نامه‌ای با عنوان بررسی نقش مایه‌های اسطوره‌ای سنگ قبرهای منطقه مازندران، به بررسی نقش مایه‌های اسطوره‌ای سنگ قبرهای منطقه مازندران، علی‌الخصوص منطقه سفید چاه بهشهر پرداخته شده است. علی خدادادی و همکاران (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی نقش مایه فرشته در سنگ قبور آرامگاه ارامنه و تخت فولاد اصفهان، به بررسی شناخت و معناشناسی نقش فرشته در قبور این منطقه می‌پردازد. صفی خانی و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبور قبرستان تخت فولاد اصفهان با تاکید بر نقوش حیوانی شیر و ماهی به طبقه‌بندی گونه‌های نقوش در قالب اشکال گیاهی، انسانی، حیوانی و اشیاء، پرداخته شده است. اکبر شریفی‌نیا و آرش لشکری (۱۳۹۶)، در مقاله بررسی و مطالعه نقوش تزئینی سنگ‌های قبرستان مادر زلیخا از شهرستان دره شهر، ضمن دسته‌بندی و تفکیک نقوش تزئینی سنگ قبرهای مار زلیخا مادر زلیخا، تحلیلی بر نقوش تزئینی سنگ قبور فوق‌الذکر بر اساس مطالعات مردم‌شناسی است. اسماعیل معروفی اقدام و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان بررسی و بازشناسی فرهنگی نقوش سنگ قبور گورستان‌های موکریان شرقی در عصر قاجار، به دنبال بررسی و تحلیل سنگ قبور گورستان‌های عصر قاجار موکریان شرقی و نقوش قرار گرفته بر روی آن‌هاست. اسماعیل سلیمی و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله بررسی و مطالعه آرایه سنگ قبرهای قبرستان قاجاری شیخ وسو روستای ترجان سقز، نقوش و آرایه‌های موجود بر روی سنگ قبرهای گورستان شیخ وسو در روستای ترجان شهرستان سقز، توصیف، طبقه‌بندی، طراحی، مستندنگاری و تحلیل شدند. محمد مشهدی نوش‌آبادی (۱۴۰۰)، در مقاله بررسی تاریخی و مردم‌شناختی سنگ قبرهای صفوی جوشقان استرک، ضمن توجه به ویژگی‌های هنری و ظاهری سنگ قبرهای جوشقان، متن سنگ‌نوشته‌ها مورد دقت قرار گرفت و محتوای آن استخراج شد. سپس نقوش و محتوای کتیبه سنگ‌ها از جنبه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گرفت. زهرا افتخاری نیا (۱۳۹۸)، در پایان‌نامه خود با عنوان بررسی سنگ قبرهای دوران اسلامی در شهرستان آران و بیدگل، به بررسی ویژگی‌های ساختاری و هنری این سنگ قبرها از نظر سبک شناختی پرداخته است.

## ادبیات نظری

### اسطوره و نماد

واژه اسطوره در زبان پارسی برگرفته از زبان عربی «الاسطوره» و «الاسطیره» که در زبان عرب به معنای روایت و حدیثی که اصلی ندارد. اما از آن اغلب، معنای مجموعه دستاورد یک قوم در این زمینه اعتقادی می‌شود مانند اساطیر ایرانی، اساطیر یونانی و جزء آن به صورت یک مجموعه است. (بهار ۳۴۳-۳۴۴: ۱۳۸۴) یکی دیگر از ویژگی‌های اسطوره این است که به صورت‌های متفاوت و گاه حتی متضاد ثبت شده است. سینه‌به‌سینه نقل شدن اسطوره‌ها در گذشته و نیز گاه دخل و تصرف نویسندگان در جزئیات اسطوره‌های



گوناگون را می‌بایست از جمله پاسخ‌های این پرسش که چرا گهگاه از یک اسطوره واحد چندین روایت گوناگون وجود دارد. (رادپون ۱۳۹۷:۱۲)

از این رو انسان، پیش از اینکه وارد مرحله‌ای که تخیل و تفکر آدمی به دنیای اسطوره‌ها تعلق داشته یعنی اندیشه علمی شود، جهان ذهن و زبان وی سرشار از نمادهای مختلف بود. البته ورود آدمی به دنیای علم و انس گرفتن با اندیشه علمی سبب شد انسان از دنیای اساطیر و نمادهای دنیای باستان دور نشود. «به عبارتی اسطوره روایتی نمادین درباره ایزدان و فرشتگان و همچنین موجودات فوق طبیعی و به‌طور کلی جهان شناختی که یک قوم به‌منظور تفسیر خود از هستی به کار می‌گیرند. در واقع اسطوره سرگذشتی راست و مقدس بوده که در زمان ازلی رخ داده و بطور نمادین، تخیلی و وهم‌انگیز می‌گوید که چگونه چیزی پدید آمده، دارای هستی است و یا فنا پذیر خواهد بود. همچنین می‌توان گفت اسطوره به شیوه‌ای تمثیلی، کاوشگر هستی است.» (دادور و مبینی ۱۳۸۸: ۵)

در فهم عامه و در برخی از فرهنگ‌ها، اسطوره معنی «آنچه خیالی و غیرواقعی است و جنبه افسانه‌ای محض دارد» یافته است اما اسطوره را باید داستان و سرگذشتی «مینوی» دانست که معمولاً اصل آن معلوم نیست و شرح عمل عقیده، نهاد یا پدیده‌ای طبیعی است به‌صورت فراسویی که دست کم بخشی از آن از سنت‌ها و روایت‌ها گرفته شده و با آیین‌ها و عقاید دینی پیوندی ناگسستنی دارد.» (آموزگار ۱۳۸۹: ۱۳) اسطوره اساسی‌ترین جایگاه ظهور نماد است. انسان‌های بدوی اندیشه‌ها و دغدغه‌های خود را به‌صورت نماد بیان می‌کردند. اما در پیوند نماد و اسطوره، اسطوره را منتج از نماد می‌دانند؛ زیرا «رمزگرایی اندیشه و سنجیده است که مبنای هرگونه دانش اساطیر و اسطوره‌شناسی به شمار رود» (باستید ۱۳۷۰: ۱۰) از طرف دیگر، اسطوره بنیادی‌ترین جایگاه برای ظهور نماد است؛ زیرا ماهیت اسطوره به‌طوری است که جز با نماد توضیح داده نمی‌شود؛ در نتیجه این پیوند تنگاتنگ «اسطوره پهنه نمادهاست. چهره‌ها و رویدادها در اسطوره نمادین اند. چهره‌ها و رویدادهای راستین و تاریخی در هم می‌آمیزند، از پیکره و هنجار آغازین خویش بدین گونه دور می‌شوند، تا سرانجام نمادها پدید آیند.» (کزازی ۱۳۶۸: ۳) با توجه به اینکه نماد زبان اسطوره است، خود اسطوره نیز ساخته تخیل بشر است و قلمرو نماد، دنیای غیرمحسوس، ماوراءالطبیعه و ناخودآگاه است و آنجایی که ذهن بشر در شناخت و ادراک برخی مفاهیم عاجز و ناتوان می‌گردد به سمت نماد و سمبل رهنمون می‌شود.

### کارکرد اسطوره

اسطوره‌ها در مکان‌ها و زمان‌های مختلف دارای کارکردهای متفاوتی بوده که هر کدام از این کارکردها مکمل یکدیگر هستند. شناخت اسطوره‌های گذشته باعث پی‌بردن به نقاط قوت و ضعف یک ملت و همچنین آشکار شدن هویت یک قوم است و با نظر به اینکه اسطوره‌ها بازمانده باورهای انسان‌های گذشته‌اند، توجیه‌کننده رفتارهای اجتماعی انسان امروزی هستند.

«برخی از اسطوره‌ها جنبه‌های توصیفی داشته و اموری را بیان و توصیف می‌کنند که به دور از دسترس مردمان بوده و توان درک مستقیم آنها ممکن نیست؛ مانند اساطیری که درباره جهان پس از مرگ رواج دارند و حضائض آن دنیای ابدی را برای مردمان بازگو می‌کنند.» (رضایی ۱۳۸۳: ۳۸) اسطوره‌ها می‌توانند توصیف‌کننده اموری باشند که مردم هرگز «به چشم نتوانند دید» بنابراین، اسطوره‌ها فردگرا و مشاهده‌گرند. حتی ممکن است ارزش آموزشی اسطوره بیشتر محدود به توصیفات و نه توجیحات پیرامون آن باشد. اسطوره‌ها پناهگاهی امن جهت برطرف کردن نیازهای معنوی انسان نیز بوده‌اند که این نیازهای معنوی شامل ترس‌ها و هراس انسان از ناشناخته‌ها و نیاز وی به پیدا کردن پناه و نگهبان بود. یکی از کاربردهای اسطوره عبارت است از درمان بیماران که از طریق خوانش اسطوره آفرینش و تأخیر جادویش انجام گرفته می‌شود. (اسماعیل‌پور ۱۳۷۷: ۵۹) اسطوره‌ها رفتارهای سنتی یک اجتماع را توجیه می‌کنند. اسطوره به‌عنوان بخش‌هایی از تفکرات گذشته هر قوم و ملیتی به آنها هویت بخشیده و به‌عنوان نقطه شروع اندیشه و هویت هر ملتی به شمار می‌آید که ساختارهای کنونی اجتماعی بر اساس آن شکل گرفته است. اسطوره‌ای که در باورهای ایرانی درباره فره کیانی که یکی از سه نوع فره، یعنی فره ایزدی، فره کیانی، و دیگر فره اسطوره به‌عنوان رؤیای جمعی اجتماع، خواست‌ها، آرزوها، یک گروه و جماعت را تبیین می‌کند و در این کارکرد بیشتر چشم به آینده دارد و همان نجات و رهایی واپسین جهان، نمونه بارز این کارکرد است. بسیاری از اسطوره‌ها توضیح‌دهنده آئین‌ها و شعایرند. پس اسطوره می‌تواند یک جشن آئینی را ارزش‌گذاری کند و اعتبار بخشد، نیز می‌توان گفت که اسطوره، خود حیات را ارزش و ارجمندی می‌بخشد. از اسطوره‌های دیگر «اسطوره قهرمانی» یا «اسطوره فردی» هستند که تنها کارکردشان توصیف و بیان زندگی یک شخصیت هستند. (رضایی ۱۳۸۳: ۳۸)

### ماهیت اسطوره

به‌درستی نمی‌توان گفت اسطوره‌های ایرانی به چه زمان و مکان خاصی تعلق دارند. داستان‌های کهن مربوط به هزاران سال گذشته سرزمین ما نشان می‌دهد که در ابتدا شفاهی و سینه‌به‌سینه نقل شده و سرانجام به‌صورت نوشته تبدیل شده است. آنچه از نگاهی به اسطوره‌شناسی ایران برمی‌آید، صرفاً روایت تاریخی غیرواقعی آن نیست، بلکه بر ایدئولوژی اصیل ایرانیان و نقش خدا بر جامعه و انسان اشاره دارد. اسطوره بازگوکننده فعالیت قوای مافوق الطبیعه بوده و خواندن آنها در مناسک دینی سبب می‌شود که آن قوا آزاد یا دوباره فعال می‌شود. هنگامی که ما بر اسطوره‌شناسی ایرانی نظر می‌اندازیم، صرفاً بر روایات تاریخی غیرواقعی یا بر اشعار زیبا و باستانی نمی‌نگریم، بلکه بر جهان‌بینی اصلی ایرانی و دریافت آن از انسان و جامعه و خدا توجه می‌کنیم. «پذیرفتن برخی از اسطوره‌ها و مناسک ادیان سنتی برای ذهن انتقادی امروزی اگر غیرممکن نباشد، لااقل دشوار است و چون مؤمنان درعین حال نمی‌توانند آنها را رد کنند، به تمثیل و نمادپردازی توسل می‌جویند و این کار می‌تواند تفسیر نمادینی از سفر تکوین



یا اوستا باشد.» (هینلز ۱۳۷۹: ۱۸۳) «در اعصار جدیدتر اسطوره کارکرد اجتماعی آئینی خود را از دست داده و تبدیل به حماسه می‌شود. در عصر حماسه، یعنی در دوران ویژه‌ای از تاریخ یک ملت، قهرمان و قهرمان‌پروری شکل می‌گیرد.» (اسماعیل پور ۱۳۷۷: ۶۰) «اسطوره بی‌زبان و بی‌مکان است. انسان زمان گیتیانه را با روایت اسطوره و اجرای آئین‌ها و مناسک فراموش می‌کند تا به جهان مینوی باز گردد. مکان اساطیری نیز بنیادی ازلی داشته و معابد مینویی بوده و مقدس هستند. مکان اساطیری ممکن است در آسمان، نور، خورشید، ماه، ستارگان یا در ژرفای دریا باشد که فضایی قدسی و مینویی هستند و می‌تواند خود را به کهکشانی رنگین و رؤیایی روبه رو کند و به گونه‌ای شهودی، مکان‌ها و فضاها را در ذهن خویش مجسم کند.» (همان ۲۳) اسطوره‌ها با هر نوع ماهیتی (آسمانی یا زمینی، قدسی یا مینوی، واقعی یا دروغ، تاریخی یا تخیلی) می‌توانند واقعی باشند، اما با ماهیتی ماورایی یا خیالی.

### تدفین

«اندیشه زایش و مرگ، یکی از نخستین اندیشه‌های فلسفی ایرانیان بود. به مرگ اندیشیدن و آن را نوعی تولد دیگر پنداشتن و از این رو درگذشتگان را به شکلی که در شکم مادر دارند با پاها و دست‌های جمع شده بر روی سینه به خاک می‌سپردند تا به همان گونه که به این دنیا آمده‌اند به دنیای دیگر وارد شوند.» (رضایی ۱۳۸۳: ۲۵۲) در بررسی سیر شکل‌گیری و تحول سنگ قبر، خاک‌سپاری و دفن مردگان را باید مرحله اولیه در نظر گرفت چرا که سنگ قبر به دنبال سنت تدفین است که شکل می‌گیرد. تدفین مردگان در زیر خاک را گویی انسان‌ها با گذر ایام و تجربه فراگرفته‌اند که خود باعث پیدایش بی‌شماری از اساطیر در مورد مرگ و شیوه دفن و جهان پس از مرگ او شده است. (همان ۲۴۷) بر اساس فرمان‌ها اسلامی، انسان دفن مردگان را از زاغی فراگرفت. بر پایه آیه‌های ۳۰ و ۲۹ سوره مبارکه مائده، بین مردم این باور وجود دارد که انسان دفن مردگان خود را از زاغی فراگرفت که از طرف خداوند بر بنی آدم (قابیل) ظاهر شد و به او آموخت تا زمین را بکاود و جسد برادرش (هابیل) را که خود او را کشته بود، در آن دفن کند و پنهان سازد. سنت خاک‌سپاری مردگان نیز آنجا نشأت گرفته است. (موسوی بجنوردی ۱۳۹۴: ۶۴۱)

در ایران نیز همانند سایر تمدن‌ها، انسان بدوی آثاری را به‌عنوان سنگ قبور به‌منظور یادمانی برای انسان از دست‌رفته برجای می‌گذاشته است. بر پایه شواهد به‌جای‌مانده از تمدن‌های کهن در مشرق‌زمین به‌خوبی آشکار است که شمایل‌نگاری و تصویرسازی آن هم به شیوه‌های روایتگرانه بخش لاینفک آرامگاه‌ها، سنگ‌ها و لوح‌های قبور را به خود اختصاص داده بودند. همچنین اعتقاد به جاودانگی روح پس از مرگ باعث گشته است تا در داخل آرامگاه‌ها یا داخل گور وسائل و ابزار موردنیاز متوفی را قرار دهند تا پس از مرگ یا در زمان تجدید حیات در صورت نیاز بر اساس زندگی روزمره خود از آنها استفاده کند. در ایران نیز همچون تمدن‌های دیگر، انسان آثاری را از خود برجای گذاشته است، دال بر این مطلب که اعتقاد به نیاکان و دنیای پس از مرگ نزد ایشان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و هست. (خسرو نژاد ۱۳۷۷: ۲۴) با نگاهی هرچند کوتاه می‌توان دریافت که در مناطق مختلف این سرزمین این آداب و رسوم آئینی و سنت‌های تدفین هر منطقه که جزئی از فرهنگ آن محسوب می‌شده جز ظاهری ناچیز از آن، چیزی باقی نمانده است.

### رمز اندیشی نقوش



## سرو

سرو از جمله گیاهان اساطیری است که از دیرباز نزد ایرانیان باستان دارای تقدس بسیاری است و دلیل بر درازی عمر و جاودانگی است. آورده‌اند که زرتشت باستان خود، سرو سه هزارساله موجود در کاشمر را کاشته است. (پویان و خلیلی ۱۳۸۹: ۱۰۰)

«روح جمعی جهانی این نقش باعث شده تا از آغاز تاریخ انسان از سراسر، حول محور مفهومی مشترک به نام یگانگی بچرخد.» (ملک‌زاده قلعه رستمی ۱۳۹۶: ۲۹) حرمت یافتن بعضی از درختان همیشه سبز یا درختان کهن در ایران به دلیل هم‌جواری آن، با امامزاده‌ها و پیران مقدس نیز نشانه‌ای از تقدس نباتات در باورهای ایرانی است. (بهار ۱۳۷۶: ۲۶۱) «وابسته به پلوتو خدای مرگ رومی است. درخت سرو، درخت همیشه سبز و سمبل جاودانگی است و فکر می‌کردند که می‌تواند از اجساد محافظت کند؛ بنابراین، اغلب در گورستان کاشته می‌شد. در چین این درخت نماد مرگ و همچنین قلمرو زنانگی است.» (فورد ۱۳۸۸: ۴۹) «سرو را علامت مشخصه مرگ و جنازه حدس می‌زنند، دارای نیرویی است که بدن را از فساد حفظ می‌کند. به همین دلیل در گورستان‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت.» (کوپر ۱۳۷۰: ۲۰۰) «درخت آفریده‌های بزرگ نیروی خیال، بهشت و دوزخ را به هم می‌دوزند، به سان درختان صدساله که ریشه‌هایشان در اعماق خاک استوار شده و نوکشان از بلندترین قله‌ها نیز شامخ‌تر است. وقتی درختی سر به آسمان می‌ساید، ریشه‌هایش به دوزخ می‌رسند.» (دوبوکور ۱۳۸۷: ۳۲)

## شیر

شیر از جمله حیوانات اساطیری که نماد قدرت و پیروزی، شجاعت، دلاوری، آتش، پرتو خورشید، پیروزی، روح زندگی، سلطنت، عقل، غرور، مراقبت و محافظت است. «شیر، در بیشتر نقاط دنیا سلطان حیوانات شناخته شده است، رنگ طلایی‌اش، بال آتشین و قدرت زیادش او را مبارزه‌طلب و مرتبط با خورشید ساخته است. همچنین شیر ماده را احتمالاً با ماه و الهام مادر مرتبط می‌دانند، تصاویر شیرها اغلب روی تیرهای چوبی درها و تخت‌های پادشاهی کنده‌کاری شده‌اند. زیرا آنان را نگه دارنده و محافظت‌کننده می‌دانند.» (فورد ۱۳۸۸: ۶۶)

۱- مظهر مرگ، ابدیت، جاودانگی: نقش شیر در ارتباط با زروان (خدای زمان) بوده و از آنجای که قدرت بالایی در کشتن داشته، سر زروان به صورت شیر ترسیم شده و نمادی از قدرت مرگ‌آور زمان است. در همین رابطه «می‌توان گفت شیر در ارتباط با خدای زمان نماد جاودانگی در زمان بی‌پایان دانست. (خودی ۱۳۸۵: ۱۰۰)

۲- نشانه محافظت و نگهداری: خورشید در آیین میترائیسم همان مهر و شیر نگهدارنده و از مقام بالایی برخوردار است. نماد شیر و خورشید که در ادوار مختلف به صورت‌های گوناگون در آثار هنری به تصویر کشیده شده، نمایانگر باوری است که شیر را به عنوان نگهدارنده و محافظ تلقی کرده‌اند. «شیر در میان ملل مختلف نگهدارنده پرستشگاه‌ها، مقبره‌ها و آرامگاه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته و تصور می‌شد که درنده‌خویی این حیوان موجب دور کردن تأثیرات زیان‌آور باشد.» (هال ۱۳۸۰: ۶۱)





۳- نماد شجاعت و دلاوری: استفاده از شیر سنگی بر روی سنگ قبور، با توجه به قیودات مذهبی اسلامی در منع استفاده از مجسمه، مطمئناً به گذشته‌های دور بازمی‌گردد، ولی بعد از اسلام در ایران، دامنه‌های زاگرس را همان گونه که زادگاه شیر ایرانی بوده است، زادگاه اصلی این گونه مجسمه‌ها می‌دانند که علاوه بر تمام مناطق لر نشین، استان‌های چهارمحال بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و فارس، در بعضی از شهرها مانند اصفهان نیز دارای شیرهای سنگی است. همسو شدن باورهای مردم با اعتقادات اسلامی و همچنین علاقه ایرانیان به حضرت علی (ع) که در نماد شجاعت و دلاوری بوده و آن حضرت را به شیر مثل می‌زنند و لقب اسدالله (شیرخدا) را به حضرت داده‌اند و همچنین روایاتی که از رویارویی حضرت علی (ع) با شیر نقل شده است، بهترین موقعیت را برای کار گذاشتن شیر و زنده نگه داشتن این سنت به وجود می‌آورد. شیرهای سنگی را معمولاً بر روی سنگ قبر جوانانی قرار می‌دادند که باشهامت و شجاعت کشته شده‌اند. بر روی برخی از این شیرهای سنگی، نقش مایه‌هایی همانند شمشیر، سپر، نیزه، اسب، تبر، تپانچه، چاقو و... ترسیم که تأکیدی بر شجاعت و جنگ‌آوری شخص متوفی باشد. (صفی‌خانی و همکاران ۷۴-۷۵: ۱۳۹۳)

۴- ارتباط شیر و علوم نجومی: «در نجوم سنتی، شیر نماینده برج پنجم از دوازده برج فلکی (اسد) است.» (فرهنگ دهخدا). از نظر منجمان، آسایش و آرامش زمانی رخ می‌دهد که خورشید در برج اسد قرار بگیرد و در این حالت خورشید در نیرومندترین وضعیت خودش قرار دارد. (همان ۱۳۷۵)

۵- شیر و مفاهیم مذهبی اسلامی: از اواخر دوره سلجوقی، نقش شیر به تنهایی یا در کنار خورشید، با مفاهیم مذهبی بیشتری مورد توجه قرار گرفته است. بدین صورت که خورشید نمادی از پیامبر و شیر به عنوان حضرت علی (ع) ذکر شده و «کاربرد شیرهای سنگی در امامزاده‌ها و یا روی سنگ قبور نشأت گرفته از همین اعتقاد است، به طوری که بر شانه راست این شیرهای سنگی، خورشید و در سمت چپ آنها، شمشیر قرار دارد.» (خزایی ۱۳۸۱: ۵۵)

### پرنده

پرنده در بسیاری از فرهنگ‌ها نماد روح و نقشی واسط میان زمین و آسمان دارد. در لغت‌نامه دهخدا مرغ نمادی از روح دانسته شده و پرواز مرغ روح، کنایه از مردن است. مرغ شدن و به هوا رفتن نیز تمثیلی از ناگهان غیب شدن است. (دهخدا ۱۳۷۳: ۱۸۲۵۹) از معانی سمبلیک پرنده می‌توان به آزادی، آسمان، ابر، باد، پیام‌رسانی و جاودانگی، حاصلخیزی و روح هوا، اشاره کرد. در ایران منتقل‌کننده وحی و سروش نماینده عقل کل، تجسمی از آتش، ابر، خورشید و صاعقه و پرنده دراز پا معروف به عمر طولانی است. (جابر ۲۸: ۱۳۷۰) اعتقادات باستانی زیادی وجود دارد که بعد از مرگ، روح به شکل یک پرنده جسم را ترک می‌کند؛ بنابراین، پرنده سمبل روح است. پرنده موجودی است که پرواز می‌کند و به همین دلیل نمادی آسمانی است نه زمینی. پرنده‌گان در ایران از دوران‌های پیش از تاریخ، نماد ابر و باران بوده‌اند. نمادی از فر و شکوه و پادشاهی بوده و شاید به همین دلیل باشد که بر کلاه یا تاج برخی از پادشاهان بر یک پرنده به چشم می‌خورد. نقش پرنده در هنر ایران زمین بر روی سفال، پارچه قلمکار، قلم‌زنی، جلد کتاب‌ها و حتی روی سنگ قبرها و طرح فرش‌ها نیز جایگاه ویژه‌ای داشته است. این نقش نشانه ایست از پرواز و اوج گرفتن که در فلسفه و عرفان نشان از عروج روح انسان و پرواز به سوی عالم غیرمادی دارد. (صفی‌خانی و همکاران ۷۳: ۱۳۹۳) در این ارتباط، تک پرنده نشسته بر بالای درخت سرو را می‌توان مشاهده کرد





که می‌تواند اشاره‌ای به روح شخص متوفی باشد. برخی بر این باورند که پس از مرگ و جدایی روح از بدن، روح به شکل پرنده درمی‌آید. (همان ۷۴) از نظر کوپر «حضور این نگاره (پرنده) به معانی: تعالی جان و روح، تجلی الهی، ارواح مردگان، صعود به آسمان و توان ارتباط با ایزد یا دخول به مرتبه عالی شهود است. در اسلام جان‌های مؤمنین روی درخت حیات می‌زنند.» (کوپر ۱۳۷۰: ۷۱) اعتقادات باستانی زیادی وجود دارد که بعد از مرگ روح به شکل پرنده جسم را ترک می‌کند. پرنده در باورهای قومی و اساطیری نشانه افشاکننده اسرار خدایان، محافظ درخت معرفت، درخت زندگی و قاتل مار است. تمثیل روح به پرنده بعد از بوعلی سینا (در قصیده عینیه، مجموعه‌ای از قصاید ابن سینا به فارسی) و رساله الطیر تألیف او و رساله‌های به همین نام از ابوحامد غزالی، در فرهنگ مکتوب ما جلوه‌گر شد. اعراب مطابق روایت مسعودی روح را همچون پرنده می‌دانستند. احادیثی هم در دست است که ارواح مؤمنان در بهشت به صورت مرغان سبز رنگ در می‌آیند؛ همان‌طور که ارواح کافران نیز به صورت مرغان آتشین سیاه‌رنگ دیده می‌شود. (ملک‌زاده قلعه رستمی ۱۳۹۶: ۴۷)

### تحلیل سنگ قبور

قبور انتخاب شده از روستاهای حنا واقع شده در شهر سمیرم از توابع شهر رضا در استان اصفهان، روستای قلات، روستای قصر قمشه، و امام زاده عمادالدین واقع شده در شهر شیراز است. سنگ قبرها در روستای حنا همگی به طائفه‌ای از ایل قشقایی به نام شش بلوکی تعلق داشته و قبور روستای امام زاده عمادالدین و روستای قلات متعلق به ایل قشقایی استان فارس و نیز قبور در روستای قصر قمشه تعلق به افراد خاصی نداشته و شامل اقشار با مشاغل مختلف می‌شود. در این بخش تعدادی از قبور که در مناطق فوق از لحاظ فیزیکی وضعیت بهتری داشتند، انتخاب شده و نقوش و عبارات حک شده بر روی آنها بررسی می‌شوند.

### روستای حنا

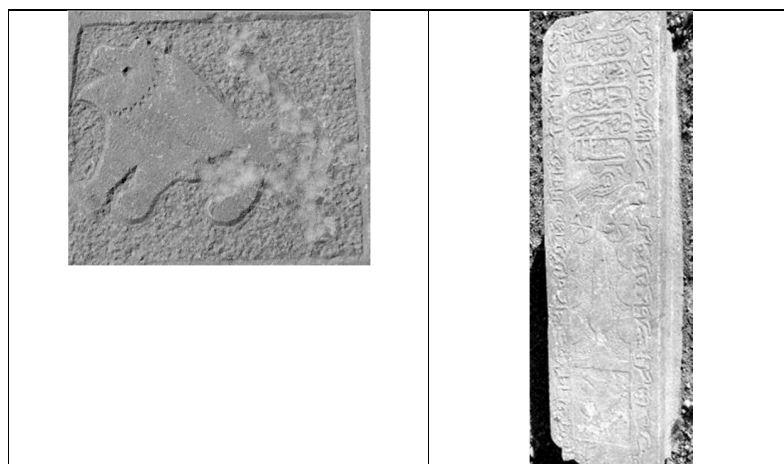
سنگ شماره ۱: این سنگ متعلق به محمدتقی به تاریخ وفات ۱۱۲۰ ق در روستا حنا است. فاقد سرلوح و در کتیبه اصلی آن «وفات مرحوم محمدتقی ابن خضر قلی شش بلوکی سنه ۱۱۲۰» و در حاشیه سنگ «بیچاره بسی امید در خاطر داشت یا علی، امید دراز و عمر کوتاه چه بود، نو غنچه گلی زه باغ آمده بود، نشکفته زمینی ز باد مهرش بده بود» با خط نستعلیق حک شده و دارای نقوش سرو، شیر و ستاره است. در این سنگ قبر، زیر کتیبه تصویر پرنده‌ای که به شکل بسم‌الله الرحمن الرحیم نوشته شده است، وجود دارد که درون کادر مستطیل شکلی قرار دارد. زیر تصویر پرنده یک ستاره و یک گل پنج پر به شکل انتزاعی تصویر شده است. در وسط، نقش سروی که درون کادری نامنظم است، دیده می‌شود که از نقوش دیگر بزرگ‌تر بوده و در قسمت انتهایی سنگ قبر تصویر شیری که در حال جهش به سمت بالا است و روی دو پا ایستاده و دمش رو به بالاست و درون کادر مستطیل شکل قرار دارد.

جدول ۱: تصاویر سنگ قبر شماره ۱؛ روستای حنا، ماخذ: نگارنده



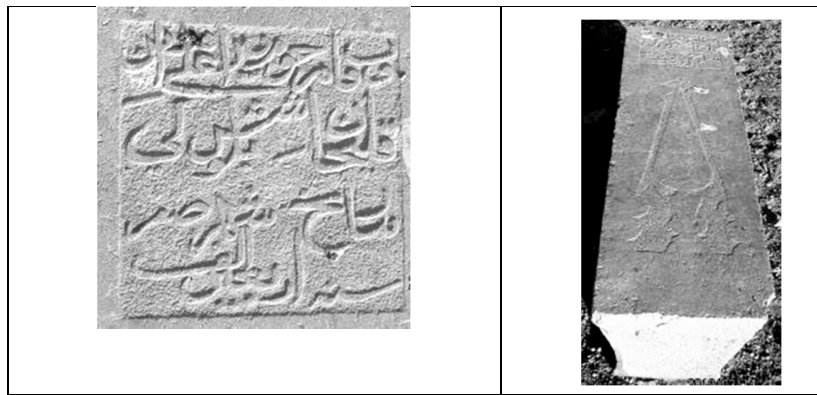
سنگ شماره ۲: این سنگ متعلق به امام وردی به تاریخ وفات ۱۱۲۰ق در روستا حنا است. فاقد سرلوح و در کتیبه اصلی آن «وفات مرحوم امام وردی ابن سلطان احمد شش بلوکی به تاریخ شهر رجب سنه ۱۱۲۰» و در حاشیه سنگ نیز متن «هر کس که در این منزل آباد رسد، گرغم زده و خاطرت اگر شاد رسد، ز برای خاطر هشت چهار عمل یک، فاتحای مرا به فریاد رسد» با خط نستعلیق حک شده و دارای نقوش سرو، شیر و پرنده است. نقوش هر سه درون کادر قرار دارند، نقش پرنده که به شکل بسم الله الرحمن الرحیم نوشته شده در بالای تصویر زیر کتیبه و نقش سرو در وسط سنگ قبر قرار گرفته‌اند، هر دودر کادری نامنظم با اشکال نیم‌دایره ترسیم شده‌اند. تصویر شیر که در انتهای سنگ قرار دارد درون کادری مربع شکل قرار گرفته و شکل شیر به صورت انتزاعی تصویرگری شده است. دوستاره نیز در وسط سنگ زیر پرنده به صورت قرینه قرار گرفته‌اند. در اطراف سنگ نیز نوشته‌هایی وجود دارد که کاملاً قابل خواندن نیست، و اسامی متبرکه امامان بر روی آن حکاکی شده است.

جدول ۲: تصاویر سنگ قبر شماره ۲؛ روستای حنا، ماخذ: نگارنده



سنگ شماره ۳: این سنگ متعلق به چراغعلی که در تاریخ ۱۰۴۰ق در روستای حنا وفات یافته است. فاقد سرلوح، و در کتیبه آن متن «وفات مرحوم چراغعلی ابن قلی خان شش بلوکی به تاریخ شهر صفر سنه اربعین الف» به خط نستعلیق حک شده است. همچنین فاقد حاشیه و فقط دارای نقش سرو بوده و دارای یک کتیبه در قسمت بالا است و تصویر سرو زیر کتیبه قرار دارد. نقش سرو که تقریباً بیشترین قسمت سنگ را پوشانده است، درون کادر مثلثی بسیار زیبایی قرار دارد که متشکل از مثلث و نیم‌دایره است و تنه درخت به شکلی زیبا ترسیم شده است.

جدول ۳: تصاویر سنگ قبر شماره ۳، روستای حنا، ماخذ: نگارنده



سنگ شماره ۴: این قبر متعلق به قاسم عبادی که در تاریخ ۱۲۶۰ق وفات یافته و در سرلوح آن «هوالباقی» و در کتیبه اصلی «وفات مرحوم مغفور مشهدی قاسم عبادی به مرحوم کربلائی حسین ۵ شعبان ۱۳۶۰ قمری» به خط نستعلیق نوشته شده است. در این سنگ حاشیه قابل خواندن نیست و نقوش به کاررفته مهر و تسبیح بوده که دلیل بر تقوی و پرهیزکاری متوفی است. قدمت این سنگ قبر نیز از دیگر سنگ قبرها بسیار کمتر هست. همان‌طور که گفته شد سنگ قبرهای موجود در روستای حنا با توجه به تعداد معدودشان اغلب متعلق به رؤسا و افراد مهم ایل است و تنها این قطعه سنگ متعلق به فردی عادی از جامعه ایل هست.

جدول ۴: تصاویر سنگ قبر شماره ۴، روستای حنا، ماخذ: نگارنده



سنگ شماره ۵: این سنگ قبر که متعلق به طایفه شش بلوکی و مربوط به فرد مهمی از ایل است که متأسفانه به دست افراد دیگری تخریب شده و بسیاری از نوشته‌ها و نقوش خوانا نیست. فقط حاشیه این سنگ که به خط نستعلیق «بر سنگ چنان نوشت نقاش دنیا نکند وفا تو خوش باش» نوشته شده است خوانا است. همچنین نقش سرو بر روی این سنگ حک شده است.

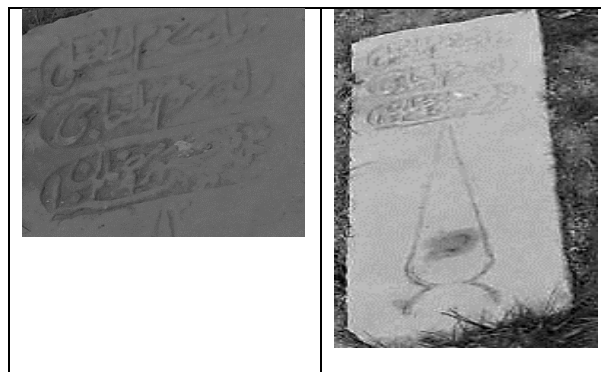
جدول ۵: تصاویر سنگ قبر شماره ۵؛ روستای حنا؛ ماخذ: نگارنده



### قصر قمشه

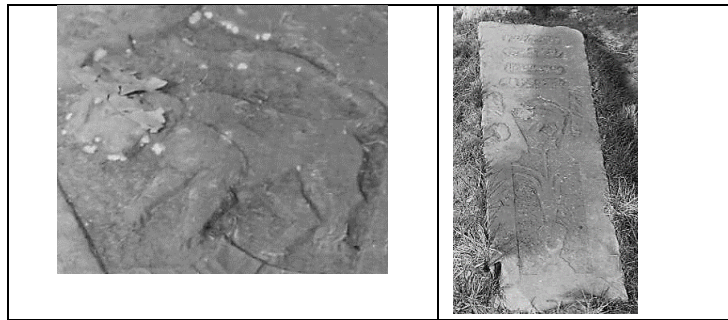
سنگ شماره ۱: این سنگ متعلق به لطفعلی که در تاریخ ۱۰۲۹ق در روستای قصر قمشه به خاک سپرده شده است. فاقد سرلوح بوده و بر روی کتیبه اصلی «وفات مرحوم لطفعلی ولد مرحوم ملا حاجی محمد فی شهر رمضان ۱۰۲۹» به خط نستعلیق نوشته شده و فاقد حاشیه و دارای نقش سرو که نقش سرو با دو شکل هندسی، مثلث و نیم‌دایره طراحی شده است. این سنگ نسبت به سنگ قبرهای دیگر در این منطقه از قدمت بیشتری برخوردار بوده و نقوش آن نیز نسبت به سنگ قبرهای دیگر ساده‌تر است.

جدول ۱: تصاویر سنگ قبر شماره ۱؛ روستای قصر قمشه، ماخذ: نگارنده



سنگ شماره ۲: صاحبان این قبر دو نفر با نام‌های نوروز علی و محمدعلی هستند که در تاریخ ۱۲۶۱ق در روستای قصر قمشه وفات یافتند. این سنگ قبر مانند سنگ قبر قبلی فاقد سرلوح و بر روی کتیبه اصلی متن «وفات مرحوم نوروز علی ولد مرحوم حسین، فی شهر شعبان، ۱۲۶۱ وفات مرحوم ولد هاشم فی شهر ۱۳۷۷» به خط نستعلیق حک شده است. در قسمت حاشیه این قبر عبارت «مشهدی ایران، هاشم فی شهر صفر ۱۳۳۷» نوشته شده بود. نقوش در این قبر گل، گلدان و شیر است که درون کادر قرار دارند. تصویر گل انتزاعی و آناتومی شیر در این تصویر به خوبی رعایت شده و دم شیر به سمت بالا قرار دارد و شیری را در حال حرکت نشان می‌دهد.

جدول ۲: تصاویر سنگ قبر شماره ۲؛ روستای قصر قمشه، ماخذ: نگارنده



سنگ شماره ۳: صاحب این قبر شیر گل شک است. تاریخ وفات در این سنگ مشخص نیست. بر روی سرلوح این سنگ عبارت «جمعیت، شیر گل شک» نقش بسته است. این قبر فاقد کتیبه بوده و در حاشیه نوشته «دلا پنجه رعنا چونی، بی تو ما غرقه بخونیم، تو هما چونی سلک، تا پی تو فتادند ز جم، ما که جمعیم چنینیم، تو شها چونی» به خط نستعلیق حک شده است. نقش شانه و سرو و ستاره نیز بر روی سنگ نقش بسته است. نقش سرو تمام سطوح سنگ را پوشانده و نوشته‌ها پیرامون نقش و در حاشیه نوشته شده‌اند. نقش شانه در انتهای سرو قرار دارد و دو لبه است که دلالت بر زن بودن متوفی دارد. در چهار گوشه قبر نیز ستاره حکاکی شده است.

جدول ۳: تصاویر سنگ قبر شماره ۳؛ روستای قصر قمشه، ماخذ: نگارنده





سنگ شماره ۴: این سنگ قبر متشکل از تصاویر سرو که تمام سطح سنگ را پوشانده است و فیچی که در راستای سمت چپ درخت سرو است، دلالت بر شغل متوفی دارد و در سمت راست، تصویر پروانه و در قسمت انتهایی سنگ، سه گل پنج پر درون دایره به سبک انتزاعی حجاری شده است. صاحب و تاریخ وفات در این سنگ مشخص نیست. این سنگ سرلوح و کتیبه ندارد. در حاشیه به خط نستعلیق عبارت «ایکه بر ما بگذری دامن کشان از سر اخلاص الحمدی بخوان» حک شده است.

جدول ۴: تصاویر سنگ قبر شماره ۴؛ روستای قصر قمشه، ماخذ: نگارنده



سنگ شماره ۵: این سنگ قبر متعلق به سردار خان که در تاریخ ۱۲۷۵ق وفات یافته است. در سرلوح عبارات «هو الله الشافی» و «وفات مرحمت پناه سردار خان آقا ولد مرحوم الله داد آقا دره شورلی من طایفه ندرلی فی شهر محرم ۱۲۷۵ق» با خط نستعلیق حک شده است. کتیبه به دلیل فرسایش قابل خواندن نیست و این قبر فاقد حاشیه و دارای نقش شیر است. شکل این سنگ قبر با دیگر سنگ‌ها متفاوت بوده و علاوه بر سنگ قبر اصلی، دارای یک سرلوح عمودی و ایستاده است که در قسمت جلوی سرلوح نوشته و در پشت آن تصویر یک شیر حکاکی شده است. در تصویر شیر، آناتومی کاملاً رعایت شده و دم شیر رو به بالاست، چشم و دندان‌هایش کاملاً طراحی شده و در این تصویر که به رئال نزدیک‌تر است ما جزئیات بیشتری را از شیر مشاهده می‌کنیم. نمونه این سنگ قبر را ما در روستای قلات مشاهده می‌کنیم.

جدول ۵. تصاویر سنگ قبر شماره ۵؛ روستای قصر قمشه، ماخذ: نگارنده



### روستای امام زاده عمادالدین

سنگ شماره ۱: این سنگ قبر متعلق به دختر جوان ناکامی است که در قسمت بالای آن تصویر دو سرو در قسمت راست و چپ و وجود گل و غنچه در بین دو سرو است. تصاویر درون کادر مستطیل قرار دارند که با چهارگل انتزاعی در قسمت پائین کادر تزئین شده‌اند. این قبر متعلق به شخصی به نام قزلبس که در تاریخ ۱۳۷۳ ق وفات یافت. این سنگ سرلوح و حاشیه ندارد و در قسمت کتیبه آن عبارت «آرامگاه ابدی مرحومه جوان نادیده کام ما قزلبس دخت مرحوم ولد علی از طایفه طیبی که در ۲۴ ماه محرم ۱۳۷۳ وفات یافت» به خط نستعلیق حک شده است.

جدول ۱: تصاویر سنگ قبر شماره ۱؛ روستای امام زاده عمادالدین، ماخذ: نگارنده

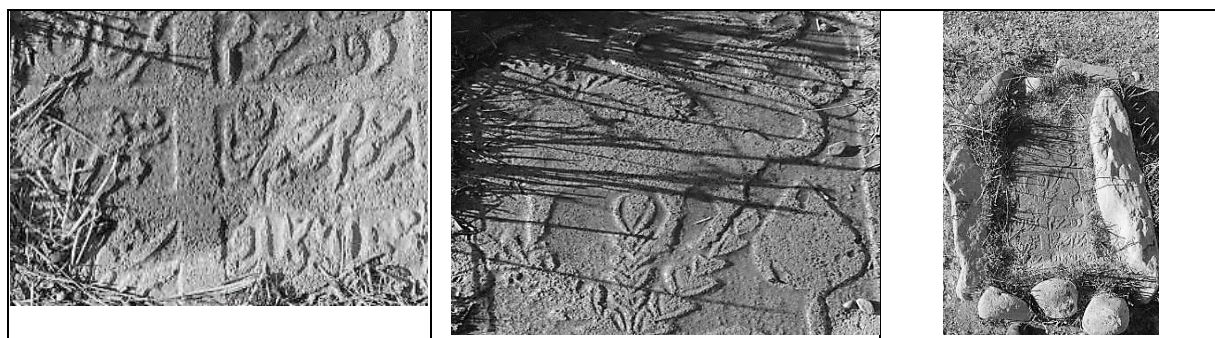


سنگ شماره ۲: تصاویر در قسمت بالای سنگ قبر قرار گرفته‌اند و نوشته‌ها در پائین تصویر و شکل دو سرو و سه شاخه گندم در قسمت پائین تصویر به صورت قرینه و در قسمت بالا یک بز کوهی که کاملاً رئال، با شاخ‌های بلند



پیچ در پیچ و سری که به عقب برگشته، حجاری شده است و نیم دایره که دو سرو و شاخه‌های گندم را به هم متصل کرده‌اند. این قبر متعلق به کمرخان که تاریخ وفات آن نامشخص است. این سنگ حاشیه و سرلوح ندارد و در قسمت کتیبه آن عبارت «وفات مرحوم کمر خان ولد مرحوم رحیم خان» با خط نستعلیق حک شده است.

جدول ۲: تصاویر سنگ قبر شماره ۲؛ روستای امام زاده عمادالدین، ماخذ: نگارنده



### روستای قلات

سنگ شماره ۱: شکل این سنگ قبر با دیگر سنگ‌ها متفاوت است و فقط سرلوح عمودی و ایستاده این سنگ قبر موجود است. قسمت اصلی سنگ جابه‌جا شده و دو سنگ قبر دیگر در محل آن قرار گرفته و در قسمت جلوی سرلوح نوشته و در پشت آن تصویر یک شیر حکاکی و آناتومی بدن شیر کاملاً رعایت شده و دم شیر رو به بالاست، و چشم و دندان‌هایش نیز طراحی شده است. نقش شیر درون کادر قرار دارد و متشکل از سه سنگ قبر مجزا که مربوط به سه متوفی است. آیه قرآنی سرلوح این سنگ قابل خواندن نیست و در قسمت کتیبه این سنگ عبارت «چرا اسمعیل ابن حاجی محمد ازین دار فنا سوی جنان رف ز بحر دیده‌های دشمن و دوس به‌جای آب خون از دیدگان رفت»

جدول ۱: تصاویر سنگ قبر شماره ۱؛ روستای قلات، ماخذ: نگارنده





## تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری

در یک نگاه کلی جریان مفهومی از یک زندگی مرسوم در میان بازماندگان، در نقوش سنگ قبور نیز جاری است. به نظر می‌رسد تصاویر موجود بر روی قبور بررسی شده، علاوه بر جنبه تزئینی جنبه نمادین نیز داشته که این جنبه نمادین، وجه غالبی نسبت به تزئینی بودن نقوش ایفا می‌کند. سنگ قبرهای موجود در روستای حنا همگی متعلق به یک طایفه از ایل قشقایی به نام شش بلوکی هستند و نشان‌دهنده این است که صاحبان این سنگ‌ها همگی دارای منزلت و مقام والایی بودند و از افراد خاص ایل بوده‌اند و متعلق به افراد معمولی و فرودست این طایفه نیستند. سنگ قبرهای این منطقه مربوط به سال‌های ۱۰۴۰ تا ۱۱۲۰ هجری قمری بوده و نسبت به مکان‌های دیگر از کیفیت بصری بالاتری برخوردارند. این سنگ‌ها شاهد ترکیب‌بندی زیبا و ظریفی هستیم که هنرمند بادقت و حساسیت خاصی آن‌ها را به وجود آورده است.

سنگ قبرهای موجود در روستای قصر قمشه نیز، مربوط به سال‌های ۱۰۲۹ هجری قمری به بعد هستند. نقوش تا حدودی شباهت به نقوش سنگ قبرهای های روستای حنا دارد ولی با این تفاوت که سنگ قبرهای روستای حنا از کیفیت هنری و بصری بالاتری برخوردارند و هم چنین، قبور روستای قصر قمشه متعلق به افراد خاصی نبوده و شامل اقشار مختلف با مشاغل متفاوت هستند. روستای امامزاده عبادالدین دارای تعداد محدودی سنگ قبر مربوط به ایل قشقایی دارد که از قدیمی‌ترین آن‌ها مربوط به سال ۱۲۶۲ هجری قمری بوده و نقوش این منطقه در مقایسه با روستای حنا و قصر قمشه بسیار ساده‌تر هستند و تفاوت دیگری که با نقوش آن دو منطقه دیگر در این مکان می‌بینیم وجود گل‌بوته‌هایی است که برگرفته از طبیعت پیرامون آن سنگ قبرها است. در روستای قلات تعداد زیادی سنگ قبر وجود دارد که از بین آن‌ها تنها یک سنگ قبر متعلق به ایل قشقایی است که نمونه آن سنگ را در روستای قصر قمشه مشاهده شده است.

ایل قشقایی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین جامعه عشایری ایران است که در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور نقش بسزایی را ایفا می‌کند. از مهم‌ترین ویژگی‌های بزرگان این ایل می‌توان به پابندی به اصالت و قهرمان‌پروری اشاره کرد که این دلاورمردی و غیور بودن همواره از خصائص جدایی‌ناپذیر ایرانیان بوده و ریشه در ایران باستان دارد و نقوش به کار گرفته شده بر روی سنگ قبرها که از جمله می‌توان به شیر، سرو و پرند اشاره کرد همگی نمادی از عظمت، قدرت، پیروزی و جاودانگی هستند.

«پدیدآمدن حماسه‌های بزرگ که به اعصار باستانی برمی‌گردد، نیازمند جامعه‌ای مناسب با اقتصاد و فرهنگ پویا که بتواند وجود اشرافیتی نیرومند، جنگاور و پیروزمند را که به صورت شاهان و دلاوران حماسی در این آثار ظاهر می‌شوند، تضمین و تأمین کند. از این جهت همه اقوام دارای چنین مجموعه‌های حماسی نیستند و در حماسه‌ها وجود



سرزمین و قومی خاص که قهرمانان اشرافی دلاوری به دفاع از آن و گشودن سرزمین‌های بیگانه می‌پردازند و داستان‌های دلاوری‌های آنان، مایه‌های اصلی اثر شمرده می‌شود.» (بهار، ۱۳۸۴: ۳۷۳)

نقش شیر در ادبیات و افسانه‌های قشقایی نیز به‌وفور یافت می‌شود. از جمله داستان شیرزاد پهلوان، نوزادی که هنگام کوچ از ایل بازمی‌ماند، و توسط ماده‌شیری نگهداری می‌شود و پس از سال‌ها ماده‌شیر از او پهلوان بنامی می‌سازد و همچنین داستان بهمن پهلوان که عاشق دختری می‌شود و خانواده دختر در برابر دادن دختر به وی طلب شکار شیری را می‌کنند و بهمن به جنگ شیر می‌رود، عاقبت مغلوب و کشته می‌شود. در ادبیات ایل قشقایی نیز اشعار زیادی وجود دارد که کنایه از شجاعت و مردانگی افراد ایل دارد.

همچنین سرو از جمله گیاهان اساطیری که در بسیاری از اماکن مقدس و مذهبی و به‌خصوص بر روی سنگ قبر ایرانیان باستان حضور داشته که خود دلیلی بر جاودانگی و حفاظت بدن بعد از مرگ است. در ایران باستان از آنجایی که درخت چنار و سرو عمری طولانی دارند در نزدشان مقدس شده و برایشان مراسمات دینی به‌جای می‌آوردند. در ادبیات ایران نیز از جمله شاهنامه فردوسی این درخت مورد توجه بوده است. ایل قشقایی درخت سرو را نشانه رشادت می‌دانستند، و در اشعار خود آن را به کار می‌گرفتند.<sup>۱</sup>

نقش مایه پرند در بسیاری از فرهنگ‌ها نماد روح و واسطه‌ای میان زمین و آسمان است و در میان اعتقادات باستانی، بعد از مرگ روح به شکل پرند جسم را ترک می‌کند و سمبلی از روح محسوب می‌شود و در فلسفه و عرفان عروج روح انسان به سوی عالم غیرمادی است. نقش پرند نیز از نقوشی است که در فرهنگ و ادبیات قشقایی کاربرد فراوان دارد که نمادی از روح، همدم و هم نفس دارد، از اشعاری که می‌توان نام برد:

هانه او همدم لر، هانه او هم نفس لر

لاچین لار ایچیش ده، خالی قالد قفس لر

کو آن همدم‌ها، کو آن هم نفس‌ها

«در واقع اگر روایت پهلوانی بود جدای از اساطیر، به علت اعتقادات مذهبی آریایی‌های اعصار باستان، آن بخش از زندگی پهلوانان ارزش به یاد ماندن و نقل شدن داشت که شبیه کردار ایزدان بود. یعنی جنبه‌های از زندگی قابل باز ماندن در یادها را دارد که مقدس هستند. پس پهلوانان هم در واقع برای بقا و برای جاویدان شدن خود، روایت و کردارهای ایزدان را تکرار می‌کردند.» (بهار، ۱۳۷۷: ۵۵۹)

## منابع

<sup>۱</sup> تور سالان تور سالان، بو این گرم من بو این سرو آقاجه، گیلری ایقم منبلند شو بخرام بلند شو بخرام (معنی: قد و بلایت مانند سرو است، گل هایت را جمع می‌کنم.)



- بهار، مهرداد (۱۳۷۶). *از اسطوره تا تاریخ*. تدوین از ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: چشمه.
- خزایی، محمد (۱۳۸۱). «نقش شیر در هنر اسلامی»، *هنرهای تجسمی*، شماره ۱۷، صص ۵۴-۵۷.
- جایز، گرتود (۱۳۷۰). *سمبل‌ها*. ترجمه: محمدرضا بقا پور. تهران: مترجم.
- بروس، میرندا، فورد، میت، ترجمه دکتر ابوالقاسم دادور، *زهرا تاران (۱۳۸۸)*. مصور، نمادها و نشانه‌ها در جهان. انتشارات: دانشگاه الزهرا (س).
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶). *از اسطوره تا تاریخ*. تدوین از ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: چشمه.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۴). *از اسطوره تا تاریخ*. گردآورنده ویراستار. دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور. چ (دوم). نشر: چشمه.
- پویان، جواد، خلیلی، مژگان (۱۳۸۹). «نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبرهای دارالسلام»، *کتاب ماه هنر*، شماره ۱۴۴، صص ۹۷-۱۰۷.
- خزایی، محمد (۱۳۸۱). «نقش شیر در هنر اسلامی»، *هنرهای تجسمی*، شماره ۱۷، صص ۵۴-۵۷.
- خسرونژاد، پدram (۱۳۷۷). «سنگ‌های مزار از پنجره مردم‌شناسی هنر»، *کتاب ماه هنر*، شماره ۱، صص ۲۳-۲۶.
- خودی، الدوز (۱۳۸۵). «معانی نمادین شیر در هنر ایران»، *کتاب ماه هنر*، شماره ۹۸-۹۷، صص ۹۶-۱۰۵.
- دادور، ابوالقاسم، حدیدی، الناز (۱۳۹۲). *مطالعه تطبیقی نقوش و نماد عقاب*، انتشارات کلهر، ۱۳۹۲، چاپ اول.
- دادور، ابوالقاسم، مبینی، مهتاب (۱۳۸۸). *جانوران ترکیبی در هنر ایران باستان*. انتشارات: دانشگاه الزهرا (س).
- دوبوکور، مونیکی (۱۳۸۷). *رمزهای زنده جهان*. ترجمه: جلال ستاری. نشر: مرکز.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*. ج. تهران: روزنه.
- دیچز، دیوید (۱۳۶۹). *شیوه‌های نقد ادبی*. ترجمه: محمدتقی صدقیاتی، دکتر غلامحسین یوسفی. چ دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- رادپون، سعیده (۱۳۹۷). «بررسی نقش‌مایه‌های اسطوره‌ای سنگ قبرهای منطقه مازندران»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامسر.
- رضایی، مهدی (۱۳۸۳). *آفرینش و مرگ در اساطیر*. انتشارات: اساطیر.
- صفی‌خانی، نینا و احمدی پناه، ابوتراب و خدادادی، علی (۱۳۹۳). «نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبور قبرستان تخت فولاد اصفهان با تاکید بر نقوش حیوانی شیر و ماهی»، *نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی*، شماره ۴، صص ۸۰-۶۷.
- غنی نژاد، فهیمه (۱۳۷۹). «افسانه است و افسون»، *کتاب ماه هنر*، شماره ۲۸ و ۲۷، صص ۴۷-۴۴.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۶۸). *از گونه‌ای دیگر*. تهران: مرکز.
- کوپر، جی سی (۱۳۷۰). *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*. ترجمه: ملیحه کرباسیان. انتشارات فرشاد: تهران.



ملک‌زاده قلعه رستمی، سودابه (۱۳۹۶). «نمادشناسی نقوش سنگ مزارهای آرامستان تخت فولاد اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۹۴). *دانشنامه فرهنگ ایران*. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.

هال، جیمز (۱۳۸۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها*، ترجمه: رقیه بهزادی. انتشارات: فرهنگ معاصر.

هینلز، جان (۱۳۷۹). *شناخت اساطیر ایران*. مترجم: ژاله آموزگار. نشر: چشمه.

یونگ، کارل گوستاو (۱۳۵۲). *انسان و سمبل‌هایش*. مترجم: ابوطالب صارمی. نشر: سپهر.

### **Analysis of tombstone motifs in Isfahan and Shiraz (Case study: Hana villages, Qomsheh Palace, Emamzadeh Emad al-Din and Qalat) with a mythological approach**

#### **Abstract**

Decorative motifs on tombstones are a reflection of cultural, social and religious conditions that have been used in the form of animal, plant, geometric, human, inscription and symbolic motifs. The Qashqai tribe has played an important role in political and social events throughout history. Due to the importance and necessity of familiarity with the cultural and artistic background of different ethnic groups, the present study aims to investigate the myths of the motifs used in the tombstones of the Qashqai tribe in Isfahan and Shiraz (Hana village, Qomsheh Palace, Imamzadeh Emad al-Din and Qalat) by descriptive library and field approach. - An analyst answers these questions; 1- What concepts do the motifs used in these tombs express? 2- What is the connection between the motifs and the myths and culture of their regions? The results of this study show that the designs engraved on the tombstones have been created under the influence of three causes, mythological insights and religious beliefs and the influence of the environment. Also, the heroic aspect of the myth is important and has a great impact on the formation of these motifs. Considering that the tombstones are after the arrival of Islam in Iran, we conclude that the influence of Islam on these motifs is very high and also expresses interests. The individual attachments of the deceased and survivors, beliefs, location and time and are a manifestation of the culture of the community.

**Keywords:** Tombstone, Myth, Symbol, Qashqai Tribe